

دوفصل نامه تاریخ ادبیات (نشریه علمی)

دوره سیزدهم، شماره ۱؛ بهار و تابستان ۱۳۹۹

شماره پیاپی: ۸۴/۱. نوع مقاله: پژوهشی

• دریافت ۹۸/۰۵/۲۰

• تأیید ۹۹/۰۴/۲۰

جستاری در شناخت

مؤلف راستین مرزبان نامه تبری

محمدعلی نوری خوشرودباری *

سمانه جعفری **

چکیده

مرزبان نامه کتابی است مشتمل بر حکایت‌ها و تمثیل‌ها که مرزبان آن را به زبان قدیم تبرستان نوشت. این کتاب را ابتدا در سال ۵۹۸ هـ.ق. محمدبن غازی ملطیوی و بعدها در نیمه نخست قرن هفتم، سعدالدین وراوینی به فارسی برگردانده و تبدیل به یکی از مهم‌ترین آثار ادب فارسی ساختند؛ اثری که با وجود ارزش و شهرت فراوان، همچنان در هویت نگارنده آن جای تردید است. عنصرالمعالی کیکاوس، صاحب قابوس نامه و ابن اسفندیار، صاحب تاریخ تبرستان، مؤلف مرزبان نامه را «مرزبان بن رستم بن شروین» می‌دانند؛ اما سعدالدین وراوینی، مؤلف آن را «مرزبان بن شروین» ذکر می‌کند. قدما و متأخرین نیز هر یک نظراتی در این باب داده‌اند. پژوهش حاضر با هدف معرفی مؤلف واقعی مرزبان نامه و رفع شبهات موجود انجام شده و به روش کتابخانه‌ای، با تحلیل و نقد نظریات مطرح شده و استناد به منابع تاریخ تبرستان به این نتیجه دست یافته که بر خلاف قول عنصرالمعالی کیکاوس و ابن اسفندیار، همان طور که وراوینی گفته، مؤلف مرزبان نامه، مرزبان بن شروین است؛ مرزبان پسر شروین بزرگی که نه تنها شاه نبود، بلکه فکر سلطنت را هم در سر نداشت؛ نه مرزبان بن رستم بن شروین، سیزدهمین پادشاه از باوندیه کیوسیه.

کلید واژه‌ها:

نثر قرن ششم و هفتم، تاریخ ادبیات، مرزبان نامه.

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. ma_noori48@yahoo.com

** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. samanehajafari101@yahoo.com

Abstract**A Research on the Real Author of
*Marzbanname-ye Tabari***

MohammadAli Noori Khoshroodbari*
Samaneh Jafari**

Marzbanname is the name of a book which contains narrations and allegories and that Marzban wrote in old Tabari language. Mohammad Ibn Ghazi Maltivi first in 598 AH and later Sadoddin Varavini in the first half of seventh century AH translated into Persian and made it one of the key works in Persian Literature; a work whose real author's identity is still unknown, despite its fame and fine values. Onsorolma' Ali Keykavos, the writer of *Ghaboosname* and Ibn Esfandiyar, the writer of *TarikheTabarestan* believe that Marzban Ibne Rostam Ibne Shervin (the 13th king of Bavandiya Kiyosiyechain) is the real writer of *Marzbanname*. But Sa'daddin Varavini believes that Marzban Ibne Shervin (the 5th king of Bavandiye Kiyosiye) is the writer of it. The ancients and the latter have each commented on the matter. This research attempts to introduce the real writer of *Marzbanname* and to remove the existent questions and is posed in library method, analyzing and criticizing the ideas and citing the sources of *TarikheTabarestans*. It is concluded that unlike the word of Onsorol Ma'ali Keykavous and Ibne Esfandiyar, the writer of *Marzbanname* is Marzban Ibne Shervin as Varavini confirms. Marzban who is the son of Shervin and was not a king and had no thought of it; not Marzban Ibne Rostam Ibne Shervin who is the 13th King of Bavandiye Kiyusiye .

Key words: Prose of 6th and 7th Century, Literature History of 6th and 7th Century, *Marzbanname*, author of *Marzbanname*, Marzban Ibne Rostam Ibne Shervin, Marzban Ibne Shervin.

* Assistant Professor of Persian Language and Literature, Farhangian University, Tehran, Iran. (Corresponding Author). ma_noori48@yahoo.com

** Assistant Professor of Persian Language and Literature, Farhangian University, Tehran, Iran. samanehjafari101@yahoo.com

مقدمه

پرداختن به تاریخ ادبیات و مباحث مربوط به آن یکی از مهم‌ترین جنبه‌های پژوهش ادبی است که آنچنان که باید بدان پرداخته نشده است. این در حالی است که بسیاری از صاحب‌نظران «نگارش تاریخ ادبیات ملی را نخستین و ضروری‌ترین اقدام برای تبیین و بازشناخت هویت خویش می‌دانند. این ضرورت در زبان فارسی جامهٔ تحقق بر تن نمی‌پوشد مگر آن که شناخت روشن و عالمانه‌ای از همهٔ ابعاد تاریخ فرهنگ ایرانی و میراث مکتوب فارسی حاصل شود» (فتوحی رودمجنی، ۱۳۸۷: ۱۵).

اگرچه رویکردهای مختلفی در تاریخ ادبیات وجود دارد و برخی از صاحب‌نظران این حوزه و نیز حوزهٔ نقد ادبی، همچون شوپنهاور و شکلوفسکی، کتاب‌های تاریخ ادبیات مرسوم را «فهرست مرده‌زارها» (ولک، ۱۳۷۴، ج ۲: ۳۶۶) و «جدول تقدیس و تکفیر گذشتگان» (ایوتادیه، ۱۳۷۷: ۴۰) نامیده‌اند و با تعبیری از این دست سعی در کم اهمیت جلوه دادن اطلاعات خام زندگی‌نامه‌ای صاحبان آثار دارند، بدیهی است که صحت چنین اطلاعاتی بنیان هر نوع تحلیل و نقدی است. اما متأسفانه با وجود ضرورت پرداختن به این مباحث بویژه در رویکرد علمی تاریخ ادبیات، همچنان ابهامات بسیاری حتی در باب مهم‌ترین آثار ادبی چون مرزبان نامه وجود دارد.

مرزبان نامه کتابی است مشتمل بر حکایت‌ها، تمثیل‌ها و افسانه‌های حکمت‌آمیز که به سبک کلیله و دمنه از زبان وحوش، طیور، دیو و پری فراهم آمده و اصل آن به زبان قدیم تبرستان بوده است. البته از نسخهٔ اصل، هیچ خبر و اثری در دست نیست، اما دو بازنویسی از آن برجاست. از آنجا که بازنویسان دلیل بازنویسی آن را آراستن به زیور فصاحت و بلاغت دانسته‌اند، می‌توان نتیجه گرفت که متن اصلی کتاب از آرایه‌های لفظی و معنوی چندانی برخوردار نبوده؛ آن چنان که محمدبن غازی ملطیوی در بازنویسی این اثر با نام روضه العقول چنین نوشته:

«... کتابی طلب کرده شد که از تصانیف ارباب دها و اصحاب بها باشد و مطلوب را شامل و مرغوب را کامل. مرزبان نامه را یافته شد که از تصانیف اعقاب قابوس و شمشگیر است. به غرایب کیاست مشحون و به عجایب سیاست معجون ... لکن از حلیت عبارت عاری بود و از زیور چهارت، عاطل. معانی لطیف آن درری بود در صدا نشانده و سبجه ای بود در مستراح افکنده. گفتم این جمال را تجمیلی باید داد و این کمال را تکمیلی ارزانی داشت.» (ملطیوی،

۱۳۹۳: ۳۹ و ۴۰)

سعدالدین وراوینی نیز در بازنویسی مشهور خود با نام مرزبان‌نامه چنین آورده است: «این خریده عذرا را بعد از چهارصد و اند سال که از پس پردهٔ خمول افتاده بود و ذبول بی‌نامی در او اثر فاحش کرده و به ایام دولت خداوند خواجه جهان از سر جوان می‌گردد و از پیرایه قبول حضرتش جمالی تازه می‌گیرد و طراوتی نو می‌پذیرد...» (وراوینی، ۱۳۶۷: ۳۳)

چنان که اشاره شد، دو برگردان به فارسی از این اثر ارزشمند در دست است. در سال ۵۹۸ هـ. ق. در روزگار پادشاهی ابوالفتح رکن‌الدین سلیمان شاه بن قلج ارسلان از پادشاهان روم شرقی، یکی از دانشمندان آن سرزمین به نام محمدبن غازی ملطیوی (منسوب به ملطیه، از شهرهای بزرگ روم شرقی) که در آغاز کار دبیر و سپس وزیر سلیمان شاه گردید، مرزبان‌نامه را بازنویسی کرد و آن را روضه العقول نامید.

از سوی دیگر سعدالدین وراوینی نیز در نیمهٔ نخست قرن هفتم در بین سال‌های ۶۰۷-۶۲۲ هـ. ق. مرزبان‌نامه را که به گفتهٔ خود او «به زبان تبرستان و پارسی قدیم باستان» (وراوینی، ۱۳۶۷: ۱۰) بود، بازنویسی کرد و در آن داد سخن‌آرایی داد. تصریح وراوینی به بازنویسی متن تبری مرزبان‌نامه، تردید و تشکیک محمد روشن در وجود متن تبری مرزبان‌نامه (روشن، ۱۳۶۷: ۱۹) را منتفی می‌سازد. اما نقطهٔ مبهم دیگری همچنان باقی است. می‌دانیم که شباهت یا بهتر بگوییم یکسانی اسم‌های اشخاص در زمینهٔ مسائلی چون مالکیت معنوی از گذشته‌های دور تا امروز مشکل‌ساز بوده است. این مسأله در مورد مرزبان‌نامه هم مصداق دارد. روشن است که اصل مرزبان‌نامه به زبان تبری بوده است؛ از شخصی به نام مرزبان و منسوب به سلسله پادشاهی باوندیه کیوسیه. اما در سلسلهٔ پادشاهی یاد شده، با یک شاهزاده به نام مرزبان مواجه هستیم که اصلاً مدعی سلطنت نبود. او پسر شروین، پنجمین شاه سلسلهٔ یاد شده است. هم‌چنین سیزدهمین شاه این سلسله هم مرزبان (بن رستم بن شروین) نام دارد. این شروین، یازدهمین پادشاه سلسلهٔ یاد شده بود. این امر ابهاماتی را در تشخیص مؤلف مرزبان‌نامه ایجاد کرده که در این مقاله سعی در رفع آن داریم. چرا که این کتاب به عنوان یکی از امهات کتب فنی و مصنوع که در برنامهٔ درسی دانشگاهی رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی نیز گنجانده شده است، اهمیت بسیاری دارد و ابهام و اختلاف نظر در باب چنین اثر شاخص و بنامی که به تکرار اشتباهات فاحش در کتاب‌های مشهور تاریخ ادبیات و راه یافتن آنها در آموزه‌های مدرسه‌ای و دانشگاهی انجامیده قابل قبول نیست.

از این رو پژوهش حاضر با جست و جو در منابع معتبر و بررسی تاریخی سلسله انساب مطرح شده، به دنبال پاسخ این سؤال مهم است که «مؤلف مرزبان نامه کدام یک از این دو تن است: مرزبان بن رستم بن شروین یا مرزبان بن شروین؟»

پیشینه پژوهش

بحث درباره مؤلف مرزبان نامه مسأله‌ای است که از قدیم در آثاری چون: قابوسنامه، بازنویسی‌های این اثر و نیز کتب تاریخ و تذکره مطرح بوده و محققان معاصر نیز بدان پرداخته‌اند. به سبب اهمیت این اقوال در بخش بعد مفصل به ذکر سخنان ایشان خواهیم پرداخت. اما افزون بر این، مقاله‌هایی نیز در این مهم نوشته شده است.

جلیل نظری (۱۳۷۹) در پژوهشی با عنوان «اصل مرزبان نامه و مؤلف آن» سعی در اثبات نظر عنصرالمعالی دارد و تبری بودن اصل این کتاب را مردود می‌داند. غلامرضا افراسیابی (۱۳۸۲) در: «نکته‌هایی تازه پیرامون تألیف، ترجمه و تحریر روضه العقول محمد غازی ملطیوی و مرزبان نامه سعدالدین وراوینی» وجود کتابی به نام مرزبان نامه به زبان تبری و پارسی قدیم باستان را منتفی می‌داند و سلسله نسب مرزبان بن رستم بن شروین را بر ساخته می‌شمرد. اما مهدی رضایی (۱۳۸۹) در مقاله خود با عنوان «مرزبان نامه یادگاری از ایران عهد ساسانی» با بررسی درونمایه داستان‌های مرزبان نامه نتیجه می‌گیرد که تألیف این اثر به اواسط روزگار ساسانیان می‌رسد.

با این توضیحات خواهیم دید که مقاله حاضر به نتیجه‌ای بدیع اما مبتنی بر مستندات تاریخی معتبر خواهد رسید که امید است برای علاقه‌مندان به این حوزه مفید واقع شود.

روش پژوهش

این پژوهش به روش کتابخانه‌ای انجام شده و تحلیل داده‌ها به روش توصیفی-تحلیلی صورت پذیرفته است. بدین صورت که ابتدا با مطالعه شروح، تذکره‌ها و کتاب‌های تاریخ ادبیات، نظرات مختلف در باب نگارنده مرزبان نامه گردآوری شد و سپس به منظور شناخت مؤلف راستین این اثر ارزشمند، سلسله پادشاهان باوندیه کیوسیه مطالعه و در نهایت، ماهیت واقعی مؤلف مشخص شد.

سخن گذشتگان در مورد مؤلف مرزبان نامه

قدیمی ترین کتابی که در آن در مورد مؤلف مرزبان نامه اظهار نظر شده، قابوس نامه است. این کتاب در سال ۴۷۵ هـ ق. نوشته شده است. مؤلف آن یعنی عنصر المعالی کیکاوس می گوید: «این کتاب را آغاز اندر سنهٔ خمس و سبعین و اربعمائه (۴۷۵) کردم (عنصر المعالی کیکاوس، ۱۳۷۳: ۲۶۳). در این کتاب، مؤلف خطاب به فرزندش می گوید: «جدهٔ تو مادرم، دختر ملک زاده المرزبان بن رستم بن شروین بود که مصنف مرزبان نامه است. سیزدهم پدرش کابوس بن قباد بود، برادر ملک انوشیروان عادل» (همان: ۵).

بازنویسان مرزبان نامه نیز در مقدمهٔ خود بر کتاب هایشان از مؤلف مرزبان نامه سخن گفته اند. محمد بن غازی ملطیوی در روضه العقول، مرزبان نامه را از تصانیف اعقاب قابوس و شمشگیر برمی شمرد (ملطیوی، ۱۳۹۳: ۳۹) و سعدالدین وراوینی که در فاصلهٔ سال های ۶۰۷-۶۲۲ هـ ق. مرزبان نامه را نوشت، مؤلف مرزبان نامه را مرزبان بن شروین و شروین را از فرزندزادگان کیوس، برادر انوشیروان عادل می داند (وراوینی، ۱۳۶۷: ۲۳).

افزون بر این دو تن، تاریخ نگاران، تذکره نویسان و فرهنگ نویسان نیز در این مورد نظرهایی داده اند. ابن اسفندیار که تاریخ طبرستان را در حدود سال ۶۱۳ هـ ق. تکمیل نمود، مؤلف مرزبان نامه را «اصفهد مرزبان بن رستم بن شروین پریم» ذکر می کند (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶: ۱۳۷). حاجی خلیفه در کشف الظنون فقط به ذکر نام مرزبان نامه بدون اضافه کردن هیچ گونه شرح و تفصیلی قناعت کرده است (حاجی خلیفه، بی تا، ج ۲: ۱۶۵۴). رضاقلی خان هدایت در فرهنگ ناصری نام مؤلف مرزبان نامه را مرزبان پسر رستم و منسوب به امیر قابوس شمس المعالی می داند (هدایت، بی تا: ۶۷۵) و هم او در مجمع الفصحاء، مؤلف مرزبان نامه را مرزبان دیلمی از اجداد آل زیار و قابوس و شمشگیر می شمارد (هدایت، ۱۳۴۰، ۱۱۶۸). اما به سبب اختلاف در نظرات بیان شده، همچنان تردیدهایی در مورد مؤلف مرزبان نامه وجود داشت که محققان معاصر را نیز به پژوهش در این باره واداشت.

تحقیقات معاصران در مورد مؤلف مرزبان نامه

پیش از همه، شفر، مستشرق فرانسوی، در جلد دوم از «قطعات منتخبه فارسی» که به سال ۱۸۸۵ م چاپ شده است، مؤلف مرزبان نامه را مرزبان بن رستم بن سرخاب بن قارن می دانست که به سال ۳۰۲ هـ ق. وفات نمود (قزوینی، ۱۳۸۶: هـ).

علامه قزوینی پس از نقل عبارت شفر، اولاً تاریخ وفات مرزبان را بدون ذکر هیچ دلیل و شاهی از ۳۰۲ به ۲۸۲ تغییر داد و ثانیاً در مورد نام مؤلف مرزبان نامه که شفر نقل کرد، یعنی «مرزبان بن رستم بن سرخاب بن قارن» چنین نوشت: «این فقره با اسم جد مرزبان شروین پریم که در قابوس نامه و تاریخ ابن اسفندیار هر دو مسطور است، نمی سازد و احتمال قوی می رود که مرزبان واضع کتاب، پسر پادشاهی دیگر از ملوک تبرستان، یعنی رستم بن شهریار بن شروین بن رستم بن سرخاب بن قارن بن شهریار بن شروین بن سرخاب بن باو (جد ملوک باوند) بن شاپور بن کیوس بن قباد باشد» (همان). آن چنان که در متن مقاله آمده، در قابوس نامه و تاریخ ابن اسفندیار نام مؤلف «مرزبان بن رستم بن شروین» آمده است و به احتمال زیاد محمد قزوینی هنگام نوشتن نام مؤلف به دو کتاب یاد شده مراجعه نکرده و نام مؤلف را از ذهن نقل کرده که دچار چنین اشتباهی شده است. نکته دیگر این که قزوینی پدر مرزبان را رستم بن شهریار می داند، در حالی که رستم برادر شهریار است (رازپوش، ۱۳۷۳: ۷۸۲).

سعدالدین وراوینی می گوید که چهارصد و اند سال، متن تبری مرزبان نامه گمنام و ناشناخته بود و وی بعد از این مدت آن را بازنویسی کرده است (وراوینی، ۱۳۶۷: ۶۲). این در حالی است که قزوینی معتقد است که فاصله بین اصل تألیف و اصلاح آن، دویست و اند سال بوده است نه چهارصد و اند سال (قزوینی، ۱۳۶۸: ز) و ذبیح الله صفا نیز همین نکته را در تاریخ ادبیات تکرار کرده است (صفا، ۱۳۶۸: ۱۰۰۴).

محمد روشن هم در مقدمه مرزبان نامه - به تصحیح خودش - درباره این کتاب و مؤلف آن اظهار نظر کرده است. وی بر این باور است که در سده ششم، ادیبان و منشیان، کتاب های ساده ای را که به زبان فارسی بود، بازنویسی ادبی می کردند، پس مرزبان نامه به زبان تبری وجود نداشته است. آن هم مثل بقیه کتاب ها ساده ای بود به زبان فارسی (روشن، ۱۳۶۷: نوزده). او همچنین انتساب این اثر به سلسله باوند کیوسیه را باز ساخته و بی اساس می داند (همان: بیست و چهار).

دهخدا نیز مؤلف مرزبان نامه را مرزبان بن رستم بن شهریار بن شروین بن رستم سرخاب بن قارن، سیزدهمین پادشاه سلسله باوندی می داند (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۸۲۴۱).

اما در تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی آمده است: مرزبان نامه را مرزبان بن رستم بن شروین باوندی به زبان تبری نوشته بود (نفیسی، ۱۳۶۳: ۱۴۰). از دید مؤلف این کتاب، سعید نفیسی، صاحب مرزبان نامه همان پادشاه سیزدهم سلسله باوندیه کیوسیه است. ویلفرد نیاند

مادلونگ، استاد تاریخ اسلام دانشگاه آکسفورد هم مرزبان‌بن رستم (پادشاه سیزدهم باوندیه کیوسیه) را مؤلف مرزبان‌نامه می‌داند نه مرزبان‌بن شروین را (برزگر، ۱۳۸۰: ۲۵۲).

البته پژوهش در این باب خاص شرق‌شناسان و ادب‌پژوهان نبوده و بزرگانی از حوزه تاریخ خصوصاً تاریخ‌نویسان مازندران نیز از اهمیت این مسأله غافل نبوده‌اند و در آثار خود سعی در گشودن این گره داشته‌اند. اسماعیل مهجوری، نگارنده کتاب تاریخ مازندران، مؤلف مرزبان‌نامه را مرزبان‌بن رستم‌بن شروین ذکر می‌کند (مهجوری، ۱۳۸۱: ۲۰۳) و اردشیر برزگر، مؤلف کتاب‌های تاریخ تبرستان پیش از اسلام و دانشوران تپوری، مرزبان‌بن رستم (شهریار) (۲۱۰-۲۰۰ هـ ق.) پسر شروین یکم باوند را مؤلف مرزبان‌نامه می‌شمارد (برزگر، ۱۳۸۰: ۷۷). اما نکته در این است که در هیچ تاریخی از این مسأله سخن به میان نیامده که شروین یکم پسری به نام رستم داشته است. یقیناً منظور اردشیر برزگر مرزبان‌بن رستم‌بن شروین بوده و این شروین دهمین پادشاه از سلسله باوندیه است، نه شروین بزرگ که پنجمین پادشاه از سلسله یاد شده بود. اسلامی در دانشوران ساری هم مؤلف مرزبان‌نامه را اسپهبد مرزبان‌بن رستم‌بن شروین می‌داند (اسلامی، ۱۳۷۹: ۲۲). اما درست در ادامه همین سخن از مرزبان‌بن شروین به عنوان مؤلف مرزبان‌نامه نام می‌برد و نمی‌داند که تفاوت بین این دو بسیار زیاد است. بدین ترتیب که اسپهبد مرزبان‌بن رستم‌بن شروین، سیزدهمین پادشاه از سلسله باوندیه کیوسیه بود و مرزبان‌بن شروین همان پسر شروین یکم بود که اصلاً داعیه سلطنت نداشت. شاید در متن مورد نظر، افتادگی یا حذف رخ داده باشد؛ بدین معنی که «بن رستم» هنگام چاپ حذف شده باشد. در این صورت نمی‌توان قصوری را متوجه حسین اسلامی دانست.

خلاصه این که غازی ملطیوی درباره نام مؤلف مرزبان‌نامه اظهار نظر روشنی نکرده است. از دید عنصر المعالی کیکاوس و ابن اسفندیار، مؤلف مرزبان‌نامه، مرزبان‌بن رستم‌بن شروین است، اما از دید سعدالدین وراوینی، مرزبان‌بن شروین. شفر و قزوینی هم مرزبان‌بن رستم را مؤلف مرزبان‌نامه می‌دانند. اما در ذکر نام اجداد با عنصر المعالی و ابن اسفندیار هم‌نظر نیستند. رضاقلی خان هدایت، دهخدا، سعید نقیسی، مادلونگ، اسماعیل مهجوری، اردشیر برزگر و حسین اسلامی، مؤلف مرزبان‌نامه را مرزبان‌بن رستم می‌دانند. محمد روشن هم ترجیح داده است که صورت مسأله را پاک کند و به حل آن نپردازد.

بررسی سلسله پادشاهان باوندیه کیوسیه

چون در سلسله پادشاهان باوندیه کیوسیه و فرزندان آن‌ها با دو تن به نام «مرزبان» مواجه هستیم، ابتدا باید درباره این سلسله سخن بگوییم:

از آن جایی که باو (از سرداران سپاه خسرو پرویز ساسانی) بنیان‌گذار این سلسله است، به باوندیه مشهورند و از طرف دیگر باو، فرزند شاپور و شاپور فرزند کیوس است. کیوس برادر انوشیروان عادل است و فرزند قباد ساسانی. قباد پسرش کیوس را به حکمرانی تبرستان فرستاد و او اوضاع آشفته تبرستان و خراسان را که گرفتار یورش ترکان شده بودند، سامان بخشید (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶: ۱۴۷). کیوس پس از عزیمت به تبرستان محل سکونت و مأوای خود را «کیوس‌سرا» نامید. کیوس‌سرا به مرور زمان به «کیاسر» بدل شد. کیاسر اکنون شهری است و مرکز چهار دانگه ساری به شمار می‌آید. چون باو نوه کیوس است این سلسله به کیوسیه هم مشهورند و در تاریخ به «باوندیه کیوسیه» نامبردار شدند. شاهان این سلسله از سال ۳۰ هـ ق. (سال احتمالی به قدرت رسیدن باو) تا سال ۳۹۷ (سال درگذشت شهریار بن دارا، آخرین شاه این سلسله) در «فریم» حکومت راندند (رازپوش، ۱۳۷۳: ۷۷۹ و ۷۸۲). «فریم» نام دشت وسیعی در بخش دودانگه ساری است و مرکز این بخش هم اخیراً به «فریم شهر» تغییر نام داده.

شاهان پس از باو تا مرزبان عبارتند از: سهراب بن باو، مهر مردان، سهراب بن مهر مردان، شروین، شهریار بن شروین، شاپور (یا جعفر) بن شهریار، قارن بن شهریار (برادر شاپور)، رستم بن قارن، شروین بن رستم، شهریار بن شروین، رستم بن شروین (برادر شهریار)، مرزبان بن رستم (همان: ۷۷۹ تا ۷۸۲).

از آن جایی که عنصر المعالی کیوس یا به قول خود کابوس را پدر سیزدهم مرزبان می‌داند، می‌توان سلسله نسب یا سلسله پدر و فرزندی او را این گونه ترسیم کرد: کیوس ← شاپور ← باو ← سهراب ← مهرمردان ← سهراب ← شروین ← شهریار ← قارن ← رستم ← شروین ← رستم ← مرزبان.

از شاپور (یا جعفر) بن شهریار که برادر قارن، شاه بعد از خود بود و شهریار بن شروین که او هم برادر رستم، شاه بعد از خود بود، می‌بایستی چشم پوشید. چرا که پسران این دو به پادشاهی نرسیدند و طبیعتاً در سلسله پدر و فرزندی به حساب نمی‌آیند. طبق این نقل، کیوس پدر دوازدهم مرزبان است که با قول عنصر المعالی کیکاوس قرابت تام و تمام دارد و اختلاف کوچکی که بین این دو قول به چشم می‌آید، امری طبیعی و مرسوم در روایت‌های تاریخی

است. «بدیهی است که در این انساب طویل، زیاده و نقصان یک نفر البته مغتفر است. چه به واسطه بُعد عهد و طول مدت احتمال سهو و خطا بسیار قوی است» (قزوینی، ۱۳۶۸: و).

حال ببینیم این مرزبان بن رستم بن شروین چه کسی بوده و در چه دوره‌ای زندگی می‌کرده است؟ او سیزدهمین پادشاه از سلسله باوندیه کیوسیه است. سکه‌های به دست آمده از روزگار او، نشانگر آن است که وی از سال ۳۷۱ تا ۳۷۲ هـ. ق. پادشاهی کرده است (رازپوش، ۱۳۷۳: ۷۸۲).

در روزگار پادشاهی او ابوریحان بیرونی به فریم و به دربار او آمد و کتاب «مقالید علم الهیئه» را که درباره ستاره شناسی بود، نوشت و به او پیشکش نمود (صفا، ۱۳۹۰: ج ۱: ۹۱). دو کتاب مرزبان‌نامه و نیکی‌نامه را به او نسبت می‌دهند و می‌گویند اولی به نثر بوده است و دومی به شعر.

سعدالدین وراوینی که در فاصله سال‌های ۶۰۷ تا ۶۲۲ هـ. ق. مرزبان‌نامه را بازنویسی کرد، می‌نویسد: «مرزبان‌نامه منسوب است به واضع کتاب مرزبان بن شروین و شروین از فرزندزادگان کیوس بود، برادر ملک عادل انوشیروان» (وراوینی، ۱۳۶۷: ۲۳). او در ادامه می‌گوید:

«شروین پنج پسر داشت. وقتی مُرد، پسر بزرگ‌تر، جانشین پدر شد و دیگر برادران با او بیعت کردند. پس از مدتی برادران دیگر به خاطر حسادت، هریک مدعی سلطنت و حکومت شدند. مرزبان نمی‌خواست غبار این تهمت بر دامن او بنشیند. بنابراین تصمیم گرفت مهاجرت کند و در گوشه‌ای از مملکت برادر مسکن گزیند. بزرگان مملکت در این هنگام از او درخواستند که چون رفتن تو از این‌جا محقق شد، کتابی بساز مشتمل بر لطایف حکمت. ملک‌زاده این امر را موقوف گردانید به اذن و اجازه شاه، بعد نزد شاه رفت و او را از تصمیم خود و درخواست بزرگان مملکت آگاه گردانید. شاه در این مورد به او جواب نداد و وقتی که او رفت، با وزیر خود در این باب مشورت کرد. وزیر گفت: اگر اجازه دهی او از این‌جا برود، کار درستی را انجام دادی. چرا که یک دشمن از دشمنان پادشاهی تو کم می‌شود. اما اگر اجازه دهی او کتاب مورد نظر خود را بنویسد، کار درستی را انجام ندادی. چرا که مراد و مقصود او از این کار آن است که پادشاهی تو را تقبیح کند. به او دستور ده تا کتاب را نزد من و تو بخواند تا من نقصان و فضحیت آن را بر شاه آشکار کنم. روز بعد شاه دستور می‌دهد تا بزرگان مملکت و وزیر و مرزبان حاضر شوند. مرزبان از برتری خود و ضرورت دادگری شاه و نگاهداشت حق مردم سخن می‌گوید و از اختلالی که در عرصه ملک راه یافته است و تباهی حال رعیت و خواری خردمندان یاد می‌کند. وزیر حراست مملکت را در حفظ نظام جاری می‌داند و از گفتارهای اردشیر بابکان و قرآن کریم شاهد می‌آورد. مرزبان و وزیر هر یک برای تأیید سخنان خود داستان‌ها می‌گویند. در نهایت پادشاه فهمید که ملک زاده صادق است و وزیر او

خائن. پس وزیر را عزل کرد و به زندان افکند و به ملک زاده یا برادر خود گفت می‌توانی خوش آب و هواترین منطقه از مناطق مختلف قلمرو فرمانروایی پدر را انتخاب کنی و در آن جا سکنی گزینی و «آن کتاب که خواستی نهادن، بنهی» (وراوینی، ۱۳۶۷: ۲۳ تا ۶۲). وراوینی می‌افزاید: «این کتاب، یعنی مرزبان‌نامه، چهارصد و اند سال گمنام مانده بود تا این که من در ایام دولت خداوند، خواجه جهان، آن را جوان می‌گردانم (همان: ۶۲).

بحث

چنان که پیش‌تر گفته شد، محمدبن غازی ملطیوی، نویسنده روضه العقول، مؤلف مرزبان‌نامه تبری را از اعقاب قابوس وشمگیر می‌شمارد که در هر دو صورت نمی‌تواند درست باشد. اگر مرزبان، مؤلف مرزبان‌نامه را مرزبان بن شروین بدانیم، او بسیار پیش‌تر از قابوس وشمگیر می‌زیسته است. مرزبان داعیه سلطنت نداشت. اما پدرش شروین از ۱۵۸ تا ۲۰۰ هـ ق. پادشاهی کرده است (اسلامی، ۱۳۷۲: ۹۳).

قابوس هم دو نوبت پادشاهی کرده است: نوبت اول از ۳۶۶ تا ۳۷۱ هـ ق. به مدت ۵ سال و نوبت دوم از ۳۸۸ تا ۴۰۳ هـ ق. به مدت ۱۵ سال (مهرآبادی، ۱۳۸۲: ۱۵۳). بنا براین مرزبان بن شروین به هیچ وجه نمی‌تواند از اعقاب قابوس وشمگیر باشد.

اگر بنا بر قول عنصرالمعالی، مرزبان را مرزبان بن رستم بن شروین، سیزدهمین پادشاه آل باوند بدانیم او هم نمی‌تواند از اعقاب قابوس وشمگیر باشد. چرا که این مرزبان با قابوس نسبت سببی داشته است. رستم بن شروین، پدر مرزبان، و شهریار بن شروین، عموی مرزبان، هر دو دایی‌های قابوس بوده‌اند. به عبارت دیگر مرزبان دایی‌زاده قابوس و قابوس عمه‌زاده مرزبان بوده است.

نکته دیگر این که، سکه‌های به دست آمده از روزگار مرزبان بن رستم بن شروین (سیزدهمین پادشاه از سلسله باوندیه کیوسیه) نشانگر آن است که وی از سال ۳۷۱ تا ۳۷۴ هـ ق. پادشاهی کرده است (رازپوش، ۱۳۷۳: ۷۸۲). اگر مرزبان‌نامه را همین مرزبان بن رستم نوشته باشد و چهارصد و اند سال گمنام بوده باشد، می‌بایستی سعدالدین وراوینی آن را حدوداً در سال ۸۰۰ هـ ق. بازنویسی کرده باشد؛ در حالی که می‌دانیم قطعاً وراوینی در میان سال‌های ۶۰۷ - ۶۲۲ هـ ق. آن را از تبری به فارسی درآورده است. زیرا وراوینی پس از بازنویسی آن را به ابوالقاسم ربیب الدین، وزیر اتابک اوزبک بن محمدبن ایلدگز (حاکم آذربایجان) تقدیم کرده و اتابک اوزبک از سال ۶۰۷ تا ۶۲۲ هـ ق. فرمان می‌راند است.

از سویی وراوینی صراحتاً مؤلف مرزبان‌نامه را فرزند شروین می‌داند. شروین، مشهور به شروین بزرگ، پنجمین پادشاه از سلسلهٔ باوندیه کیوسیه از سال ۱۵۸ تا ۲۰۰ هـ. ق. سلطنت کرده است. اگر چهارصد و اند سال خمولی و گمنامی مرزبان‌نامه تبری را به زمان سلطنت پادشاه مذکور بیفزاییم، همان تاریخ بازنویسی مرزبان‌نامه (۶۲۲-۶۰۷ هـ. ق.) به دست خواهد آمد.

نتیجه

مرزبان‌نامه از آثار برجستهٔ ادب پارسی است که به سبب از دست رفتن اصل کتاب، تردیدهایی در باب زبان اصلی و نیز مؤلف راستین آن وجود دارد. تصریح وراوینی، یکی از بازنویسان این اثر، به تبری بودن اصل کتاب، تشکیک محمد روشن در وجود اصل تبری آن را مرتفع می‌سازد. اما به سبب تناقض در معرفی مؤلف مرزبان‌نامه از جانب عنصرالمعالی و سعدالدین وراوینی و به تبع این دو، سایر صاحب‌نظران متقدم و متأخر، همچنان تردیدهایی در نام و نسب مؤلف راستین مرزبان‌نامه باقی مانده است. آنچه مورد وفاق همگان است اختصاص مرزبان‌نامه به شخصی به نام «مرزبان» منسوب به سلسلهٔ پادشاهی باوندیه کیوسیه است. اما در این سلسله دو شاهزاده با این نام وجود دارد: یکی مرزبان پسر شروین (پنجمین شاه این سلسله) که اصلاً مدعی سلطنت نبوده و دیگری، مرزبان بن رستم بن شروین که سیزدهمین پادشاه این سلسله است. سکه‌های به دست آمده از دوران حکومت این پادشاه نشان می‌دهد که او از سال ۱۷۳-۱۷۲ هـ. ق. پادشاهی کرده و با وجود تصریح وراوینی به بازنویسی کتاب پس از چهارصد و اندی سال در سال ۶۲۲-۶۰۷ هـ. ق. این شخص نمی‌تواند نویسندهٔ اصل تبری کتاب باشد. بنا براین، مؤلف مرزبان‌نامه، مرزبان بن شروین، پسر شروین بزرگ است که نه تنها شاه نبوده بلکه فکر سلطنت را هم در سر نداشته و فرصت عمر خود را صرف نگارش چنین کتابی نموده است.

منابع

- ابن اسفندیار، بهاء الدین. (۱۳۶۶). **تاریخ طبرستان**. به تصحیح عباس اقبال. تهران: پدیده.
- اسلامی، حسین. (۱۳۷۹). **دانشوران ساری**. ساری: شلفین.
- افراسیابی، غلامرضا. (۱۳۸۲). نکته‌هایی تازه پیرامون تألیف، ترجمه و تحریر روضه العقول محمد غازی ملطیوی و مرزبان‌نامه سعدالدین وراوینی. **آئینه میراث**. سال ۱، شماره ۲. پیاپی ۲۱: ۱۷-۵.
- ایوتادیه، ژان. (۱۳۷۷). **نقد ادبی در قرن بیستم**. ترجمه محمد رحیم احمدی. تهران: سوره.

- بزرگر، اردشیر. (۱۳۸۱). **تاریخ تبرستان پس از اسلام**. جلد دوم. تصحیح و پژوهش محمد شکر فومنی. تهران: رسانش.
- (۱۳۸۰). **دانشوران تپوری** (تاریخ تبرستان پس از اسلامی، جلد سوم). تصحیح و پژوهش محمد شکر فومنی. تهران: رسانش.
- حاجی خلیفه، مصطفی. (بی تا). **کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون**. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- خطیبی، حسین. (۱۳۹۰). **فن نثر در ادب پارسی**. چاپ چهارم. تهران: زوار.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). **لغت نامه**. تهران: دانشگاه تهران.
- رازیوش، شهناز. (۱۳۷۳). **باوندیان. دانشنامه جهان اسلام**. تهران: بنیاد دائره المعارف اسلامی.
- رضایی، مهدی. (۱۳۸۹). **مرزبان نامه یادگاری از ایران عهد ساسانی. پژوهشنامه زبان و ادب فارسی (گوهر گویا)**. سال ۴. شماره ۱ (پیاپی ۱۳): ۴۷-۶۸.
- صفا، ذبیح الله. (۱۳۶۸). **تاریخ ادبیات در ایران**. ج ۲. تهران: فردوس.
- فتوحی رودمعجنی، محمود. (۱۳۸۷). **نظریه تاریخ ادبیات**. تهران: سخن.
- قزوینی، محمد. (۱۳۶۸). **مقدمه بر مرزبان نامه اثر سعدالدین وراوینی**. تهران: فروغی.
- کیکاوس، عنصرالمعالی. (۱۳۷۲). **قابوس نامه**. تصحیح دکتر غلامحسین یوسفی. تهران: علمی و فرهنگی.
- ملطیوی، محمدین غازی. (۱۳۹۳). **مرزبان نامه بزرگ** (روضه العقول). به تصحیح فتح الله مجتبی و غلامعلی آریا. تهران: خوارزمی.
- مهجوری، اسماعیل. (۱۳۸۱). **تاریخ مازندران**. جلد اول. تهران: توس.
- نظری، جلیل. (۱۳۷۹). **اصل مرزبان نامه و مؤلف آن**. علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان. شهریزور: ۷۸-۱۸۲.
- نفیسی، سعید. (۱۳۶۳). **تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی**. جلد اول. تهران: فروغی.
- وراوینی، سعدالدین. (۱۳۶۷). **مرزبان نامه**. به تصحیح محمد روشن. تهران: نشر نو.
- ولک، رنه. (۱۳۷۴). **تاریخ نقد جدید**. جلد ۲. ترجمه سعید ارباب شیرانی. تهران: نیلوفر.
- هدایت، رضا قلی خان. (۱۳۴۰). **مجمع الفصحا**. بخش سوم از مجلد اول. به تصحیح مظاهر مصفا. تهران: امیر کبیر.
- (۱۲۸۸). **فرهنگ انجمن آرای ناصری**. تهران: کتاب فروشی اسلامیة.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی